

پیامدهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جنگ جهانی دوم در فارس (۱۳۱۸-۱۳۲۴ش)

تیمور قاسمی*، اصغر فروغی ابری، فریدون اللهیاری

دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه اصفهان، اصفهان-ایران؛ دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه اصفهان،

اصفهان-ایران؛ استاد گروه تاریخ، دانشگاه اصفهان

تاریخ دریافت: (۱۳۹۸/۰۳/۰۴) تاریخ پذیرش: (۱۴۰۰/۰۱/۲۹)

Political, Social and Economic Impacts of the World War II on Fars Province (1939-1945 AD)

Teimour Ghasemi, Asghar Foroughi Abri, Fereidoun Allahyari

PhD Student in the History of Islamic Iran, Isfahan-Iran; Associate Prof, Department of History, Isfahan University, Isfahan-Iran; Prof. of History, Isfahan University, Isfahan-Iran

Received: (2019/ 05/25) Accepted: (2021/04/18)

Abstract

The World War II (1939-1945 AD) created special conditions in different parts of Iran. One of these parts was Fars province that due to its proximity to the Persian gulf and oil resources, the impact of war on Fars Province was inevitable. In addition to, political conflicts between tribe and central government and the weakness of central government caused major losses to the state. This study seeks to improve the investigation of social, economic and political impacts of Fars in World War II. On this basis, the main question of research is that, what was the impact of World War II and the allies on Fars agriculture, transportation and the health? The research seeks to demonstrate the impact of allied invasion on Fars Province during World War II, based on documents local newspapers and first-hand sources. Findings of research indicate that Fars province has experienced unfavorable conditions during the war in three sectors of agriculture (lack of cereal and low quality bread), health (occurrence of disease and deficiency of medicine and physician) and transportation (failure to secure roads and smuggling) due to intervention of allies, especially British. This paper is organized on the basis of descriptive-analytical method.

Keywords: World War II, allies, Iran, Fars, Qashqai, social and economic effects.

چکیده

وقوع جنگ جهانی دوم (۱۹۳۹-۱۹۴۵م) باعث ایجاد شرایط ویژه‌ای در نقاط مختلف ایران شده بود. یکی از این مناطق ایالت فارس بود؛ نزدیکی به خلیج فارس و منابع نفت، تأثیر جنگ را بر فارس اجتناب‌ناپذیر می‌کرد. به علاوه کشمکش‌های سیاسی بین ایل قشقایی با حکومت مرکزی و ضعف دولت مرکزی زمینه‌ساز وارد آمدن خسارات عمده به این استان گردید. پژوهش حاضر در پی بررسی پیامدهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی فارس در جنگ جهانی دوم است. بر همین مبنا سؤال اصلی پژوهش ناظر بر این مسئله است که جنگ جهانی دوم و حضور متفقین چه تأثیری بر کشاورزی، حمل و نقل و بهداشت و درمان فارس گذاشت؟ این پژوهش در پی آن است تا با اتکا به اسناد، روزنامه‌های محلی و منابع دست اول تأثیر حضور متفقین بر فارس در جنگ جهانی دوم را نشان دهد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که فارس طی دوران جنگ در سه بخش کشاورزی (کمبود غلات، کمبود نان مرغوب)، بهداشت (وقوع بیماری، کمبود دارو و طبیب) و حمل و نقل (عدم تأمین امنیت راه‌ها و قاچاق) شرایط نامساعدی را به دلیل مداخله متفقین (به خصوص انگلیسی‌ها) تجربه کرده است. نوشتار حاضر بر اساس روش توصیفی-تحلیلی سامان یافته است.

کلیدواژه‌ها: جنگ جهانی دوم، متفقین، ایران، فارس، قشقایی، تأثیرات اجتماعی و تأثیرات اقتصادی.

* Corresponding Author: ghasemi.history53@yahoo.com
foroughi.history@gmail.com
f.allahyari@ltr.ui.ac.ir

* نویسنده مسئول: تیمور قاسمی

۱. مقدمه و طرح مسئله

شده است:

الف) حضور متفقین و جنگ، خسارات زیادی به کشاورزی به‌ویژه در بخش تولیدات در فارس وارد کرد و باعث کمبود غلات و نان شد.

ب) حضور متفقین و جنگ باعث عدم امنیت راه‌ها و دزدی و زورگیری گردید.

ج) حضور متفقین و جنگ باعث بروز بیماری‌های خطرناک و واگیر مثل حصبه و تیفوس گردید و زندگی را برای مردم عادی مشکل ساخت و زمینه مهاجرت آنان را فراهم کرد.

در ارتباط با موضوع پژوهش (جنگ جهانی دوم در فارس) تاکنون کتابی مستقل تألیف نشده است. مهم‌ترین منبع، کتاب *گزند روزگار، خاطرات نصرالله سیف‌پور* فاطمی است که در فاصله سال‌های ۱۳۱۷ تا ۱۳۲۵ سمت اجرایی در فرمانداری شیراز و استانداری فارس داشته است. این کتاب اطلاعات بسیار مهمی در اختیار خوانندگان قرار می‌دهد. به علاوه چندین کتاب با موضوع اسناد جنگ جهانی دوم، مانند *ایران در اشغال متفقین*، تألیف صفاءالدین تبرائیان؛ *گزیده اسناد جنگ جهانی دوم در ایران*، به کوشش بهروز قطبی؛ *ایران در اشغال متفقین*، از مرکز اسناد ریاست جمهوری را می‌توان نام برد که بخش اندکی از آنها مربوط به فارس بوده است. کتاب *اسناد وزارت خارجه بریتانیا پیرامون شیراز و فارس* هم اسناد مربوط به سال‌های ۱۹۰۲ و ۱۹۰۳ را بررسی کرده است و ارتباطی با جنگ جهانی دوم ندارد. پس همان‌گونه که ملاحظه شد کتابی مستقل در این زمینه به نگارش در نیامده است. عمده مقالات نگاشته شده درباره فارس هم بیشتر متمرکز بر جنگ جهانی اول بوده است. از جمله مقاله الهام ملک‌زاده با عنوان «قحطی مناطق جنوب ایران طی جنگ جهانی اول

جنگ جهانی دوم در شهریور ۱۳۱۸ / سپتامبر ۱۹۳۹ با حمله آلمان به لهستان آغاز شد. با وجود اعلام بی‌طرفی ایران در جنگ دوم بین‌الملل و کاهش روابط ایران و آلمان، متفقین (انگلیس و شوروی) با هدف اشغال ایران، این کشور را در ۳ شهریور ۱۳۲۰ مورد حمله زمینی، هوایی و دریایی قرار داده و به بهانه همراهی رضاشاه با آلمان‌ها، که به منافع استراتژیک آنها لطمه وارد می‌کرد، وارد خاک ایران شدند. این اتفاق باعث استعفای رضاشاه از حکومت گردید (درباره سوم شهریور و نقش ایران در جنگ جهانی دوم، ۲۵۳۶: ۱۰۹-۱۱۶؛ دلد، ۳ / ۹۳۱-۹۳۵؛ عاقلی، ۱۳۷۰: ۲۰۷؛ انور خامه‌ای، ۱۳۷۸: ۲ / ۱۶۰؛ Mark.1975: p 51).

کناره‌گیری رضاشاه موجب هرج و مرج و آشوب در کشور شد؛ متفقین نیز کنترل سیستم سیاسی کشور را در دست گرفتند (Ramazani. 1966: P303) و باعث مشکلاتی برای مردم ایران شدند^۱. به علاوه حضور مستمر متفقین در کشور باعث به وجود آمدن ضرر و زیان عمده به کشور شد. فارس از جمله مناطقی بود که با حضور انگلیسی‌ها در مناطق جنوبی کشور و دخالت‌های آنها در امور منطقه، به لحاظ حمل و نقل، کشاورزی، بهداشت و بحران بیکاری آسیب عمده را متحمل شد.

پژوهش حاضر با اتکا به نشریات محلی فارس و اسناد منتشر نشده، در پی نشان دادن پیامدهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی فارس در طول دوره جنگ جهانی دوم است. بر همین مبنا سؤالی به عنوان مبنای پژوهش مطرح گردیده است که عبارت است از: جنگ جهانی دوم و حضور متفقین چه تأثیری بر کشاورزی، حمل و نقل و بهداشت و درمان فارس گذاشت؟

با توجه به سؤال طرح شده در این پژوهش، فرضیه‌های زیر به عنوان مبنای کار تحقیق در نظر گرفته

۱۳۷۰: ۸۷، جلال‌پور - محمدی، ۱۳۹۱: ش ۹، صص ۱۵۴-۱۶۹؛ Ramazani, 1975: P 43; Hamzavi, 1944: p 192; MacFarland, 1985. P 51.

۱. برای اطلاع از دگرگونی ایران پس از سقوط رضاشاه رک: فیوضات، ۱۳۷۵: ۶۰-۶۱؛ خلعتبری، ۱۳۸۵: ۳۲-۳۴؛ عاقلی، ۱۳۶۷: ۵۷؛ همبلی، ۱۳۷۱: ۶۱-۷۲؛ گرامی، ۱۳۳۵: ۲۱۵؛ عامری، ۱۳۸۷: ۱۳۵؛ ملک یزدی، ۱۳۲۴: ۱۰۳؛ کرونین، ۱۳۸۳: ۵۷؛ استورات،

صولت‌الدوله رهبر قشقایی و کشته شدن صولت‌الدوله در زندان، اختلافات عمیق بین قشقایی‌ها و پهلوی شکل گرفت. با سقوط رضاشاه در سال ۱۳۲۰، رهبران قشقایی که در تهران تحت نظر بودند به فارس بازگشتند و به بازسازی ایل خود پرداختند (ترز، ۱۳۷۶: ۱۴). آتش جنگ و خونریزی و اختلاف میان قشقائیان، طرفداران قوام‌الملک و نیروهای دولتی، ناامنی عجیبی را در فارس حکمفرما کرد. هرچند به‌طور مرتب افرادی از تهران برای کنترل اوضاع به فارس می‌آمدند اما این کار بی‌فایده بود. طبق گزارش روزنامه پارس، تیمسار فیروز اقدامات زیادی جهت برقراری آرامش در ایالت فارس و مصالحه با قشقایی‌ها انجام داده بود؛ با اینحال درگیری‌هایی میان دولت و قشقایی‌ها روی داده و ناامنی فارس را موجب شده بود (پارس، س ۱، ش ۲۰، ص ۱).

از آنجا که فارس در دوره رضاشاه دوره‌ای توأم با خفقان سیاسی را تجربه کرده بود، در دوره پس از این تحولات باید وضع بهتری پیدا می‌کرد، اما به‌واسطه شروع جنگ و زد و خورد‌های حکومت با ایل قشقایی که از طرف انگلیسی‌ها متهم به رابطه با آلمان‌ها بودند^۱ (رکن‌زاده آدمیت، ۱۳۵۷: ۳۶۳). فارس گرفتار ناامنی و هرج و مرج شد. فقر اقتصادی، نافرمانی عشایر از حکومت مرکزی و رفتارهای غیردموکراتیک احزاب و گروه‌ها، دچار مشکل شده بود تا حدی که دولت از سامان بخشیدن به اوضاع فارس ناتوان شد (استخر، س ۲۶، ش ۷۵۴، ص ۲). محمدناصر قشقایی در نامه‌ای که در دهم شهریور ۱۳۲۰ به فرمانده لشکر فارس نوشت، مردم مانع حمل خواربار از شیراز به بیرون می‌شدند (کوهی کرمانی، ۱۳۲۹: ۴۸۱) و در نتیجه قحطی و گرسنگی پدید می‌آمد. ریشه مخالفت قشقایی‌ها با خارجی‌ها به این برمی‌گشت که آنها مانند بسیاری از میلیون‌ها ایرانی، به دلیل تنفر از سیاست‌های انگلیسی‌ها (ذوقی، ۱۳۶۷: ۱۱۸) و

به روایت اسناد آرشیو ملی ایران» که تمرکز مقاله بر دوره زمانی جنگ جهانی اول است. مقاله ظریفه کاظمی به همراه مرتضی دهقان‌نژاد تحت عنوان «تحولات نیروهای نظامی ایران از آغاز تا پایان جنگ جهانی دوم» هم متمرکز بر بحث تحولات نظامی و سیاسی بین دو جنگ بزرگ جهانی است. مقاله دیگر کاظمی تحت عنوان «علل و عوامل قحطی‌های فارس در فاصله سال‌های ۱۳۲۴-۱۲۹۳ش/ ۱۹۴۵-۱۹۱۴م» تا اندازه‌ای به موضوع پژوهش حاضر نزدیک است اما در مقاله کاظمی حجم اصلی داده‌های تاریخی مربوط به جنگ جهانی اول است و اندک ارجاعاتی به دوره جنگ جهانی دوم یافت می‌شود. مقاله دیگر با عنوان «پیامدهای جنگ جهانی دوم بر مناطق کرانه‌ای و پس‌کرانه‌ای خلیج فارس»، تألیف سعیدی‌نیا و ملکی است که بخش کوچک این مقاله درباره فارس در جنگ جهانی دوم است و به صورت اختصاصی فارس را بررسی نکرده است. پس همان‌گونه که نشان داده شد، تاکنون مقاله‌ای مستقل درباره تأثیر جنگ جهانی دوم در فارس در فاصله سال‌های ۱۳۱۸ تا ۱۳۲۴ به نگارش در نیامده است و همین امر ضرورت انجام این پژوهش و نوآوری موضوع را ایجاب می‌کند. داده‌های تحقیق حاضر نتیجه پژوهش تاریخی است، شیوه تبیین توصیفی تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات اسنادی و کتابخانه‌ای است. برای گردآوری این داده‌ها، از روش خوانش اسناد و روزنامه‌ها و فیش‌برداری منابع کتابخانه‌ای استفاده شده است.

۲. اوضاع سیاسی

در تاریخ معاصر ایران، فارس از جمله مناطق مهم کشور بود که مستقیماً تحت تأثیر حضور قوای متفقین به خصوص انگلیسی‌ها و هجوم آنها به ایران قرار گرفت. در اوایل دوره پهلوی، به واسطه اختلافات رضاشاه با

۱. سابقه این تنش سیاسی بین آلمان و انگلیس در فارس به قبل از جنگ جهانی دوم برمی‌گردد (نک: فراشبندی، ۱۳۵۹: ۱۲۳-۱۱۸).

فراوان ما را از ناحیه ایرانیانی که با این عوامل همکاری داشتند و احتمالاً قادر بودند سر خود و یا با کمک عوامل ناشناخته آلمانی باعث خرابکاری در تأسیسات مورد نیاز متفقین شوند، رفع کند (بولارد، ۱۳۶۲: ۱۰۰). روند روابط قشقایی‌ها با انگلیسی‌ها از یک طرف و با حکومت از طرف دیگر، به جنگ سمیرم^۳ بین نیروهای قشقایی و دولت در سال ۱۳۲۲ انجامید که لطامت فراوان برای مردم داشت. این جنگ سرانجام با پیروزی قشقایی‌ها بر حکومت خاتمه یافت (بیات، ۱۳۹۰: ۱۳۵). پس از پایان جنگ جهانی دوم، در بخشنامه‌ای که از طرف وزارت کشور به استانداری‌ها در دهه ۳۰ شمسی ارسال شد، قید شده بود که اگر در اثر معاملات بازرگانی بین بعضی از ادارات و مؤسسات دولتی و بازرگانی ایرانی با کارخانجات و بنگاه‌های آلمانی خسارتی به اتباع ایرانی وارد شد، مراتب را به دولت اطلاع دهند (ساکما، شناسه سند ۴۰۲۲۳-۲۹۳، شماره ۲۰؛ نک به ضمیمه شماره ۱). در این بین فرماندار آباده و جهرم در نامه‌هایی جداگانه به استانداری فارس تأکید کرده بودند که از طرف اتباع آلمانی خسارتی به مردم و تاجران وارد نیامده است (ساکما، شناسه سند ۴۰۲۲۳-۲۹۳، شماره ۱۴ و ۱۶؛ نک به ضمیمه شماره ۲ و ۳). پوررضا که از دوره رضاشاه وکالت خانواده قشقایی را برعهده داشت، علت اصلی پیشامد وقایع را در درجه اول در مصایب و سختی‌هایی که در دوره رضاشاه به نام اسکان و تخته‌قاپو بر سر عشایر ایران وارد شد و در درجه دوم در قصور و کوتاهی کابینه‌های

پیشینه سیاسی آنها در ایران، به سمت آلمان‌ها^۱ گرایش پیدا کرده بودند. صولت‌الدوله قشقایی نیز نفرتی عمیق از انگلیسی‌ها داشت (ابرلینگ، ۱۳۸۳: ۱۶۰؛ اسکرین، ۱۳۶۳: ۳۹۷). حضور دو تن از فرزندان صولت‌الدوله به نام‌های ملک منصورخان و محمدحسین خان در ارتش آلمان و کسب آموزش‌های نظامی باعث حساسیت انگلیس‌ها نسبت به خاندان صولت‌الدوله قشقایی‌ها شده بود (بیات، ۱۳۸۱: ۲۶۰؛ سند شماره ۹۶). در همین راستا انگلیسی‌ها در شیراز یک مرکز جاسوسی در کنسولگری خود دایر کرده بودند و ماژور جکسن^۲، رئیس شعبه جاسوسی کنسولگری، با اجیر کردن برخی مزدوران محلی گزارش‌های بی‌اساسی نسبت به برخی افراد تهیه کرده و به سفارت ارسال می‌کرد. از طرفی دیگر فردی به اسم شولتسه هولتوس، یکی از مأموران ضدجاسوسی آلمان، به دلیل تحت تعقیب قرار گرفتن از سوی انگلیسی‌ها به میان ایل قشقایی عزیمت کرد. هدف آلمان‌ها از نزدیکی به قشقایی‌ها، علاوه بر مشغول کردن نیروهای متفقین در پشت جبهه‌های جنگ، ایجاد اختلال در خطوط راه آهن سراسری و ممانعت از ارسال کالا و تجهیزات نظامی به شوروی بود (نصیری طیبی، انقلاب اسلامی در شیراز: ۲۰۹ صص-۲۱۳؛ ایوانف، ۱۳۵۶: ۹۵؛ تبرا، ۱۳۷۱: ۳۲۰؛ سند شماره ۲۸۹). بولارد، سفیر وقت انگلیس در ایران در همین ارتباط می‌نویسد:

دستگیری عوامل آلمانی در ایران، ضمن آنکه آرامش خاطر ما را فراهم می‌کرد، مسلماً نمی‌توانست نگرانی

سمیرم را به محاصره خود درآوردند. نبرد بین نیروهای طرفین (قشقایی‌ها با نیروهای دولتی) از هشتم تیرماه شروع شد، نیروهای عشایری در زیر آتش سنگین توپخانه و خمپاره‌انداز به سختی به مواضع نظامیان حمله‌ور شدند. پس از سه روز نبرد سنگین بین نیروهای طرفین در شامگاه روز جمعه ۱۰ تیر ۱۳۲۲ پس از کشته شدن سرهنگ شقاقی در حین نبرد و سقوط مواضع نیروهای دولتی، درگیری طرفین خاتمه یافت. در این واقعه مقادیر قابل توجهی مهمات، اسلحه سبک، خمپاره‌انداز و مسلسل سبک و سنگین به دست نیروهای عشایری افتاد (نصیری طیبی، ایل قشقایی در تاریخ معاصر ایران: ۲۱۹).

۱. در خصوص حضور آلمان‌ها در ایران رک: ساتون، ۱۳۲۵: ۱۱۴؛ شهرضایی، ۱۳۷۴: ۲۶.
۲. علی‌اضغرخان حکمت شیرازی در خاطراتش در ۵ فرودین ۱۳۲۴ در وصف جکسن آورده است: «مستر جکسن نایب قونسول که مرد سیاسی است صحبت از اوضاع فارس می‌کرد. سابقاً در خدمت مؤسسه تجارتي زیگلر به شیراز آمده ولی فعلاً مأمور سیاسی است. فارسی را خوب صحبت می‌کند. از اوضاع فارس برخلاف مشهور اظهار امیدواری و نیک‌بینی می‌کرد که اوضاع قرین آرامش خواهد شد» (حکمت، ۱۳۹۷: ۲/ ۱۶۴).
۳. در هفتم تیر سال ۱۳۲۲ نیروهای قشقایی و بویراحمدی، ستون

در مناطق جنوبی کشور از بُعد اجتماعی تأثیراتی بر روند زندگی مردم گذاشت. شرایط سخت اقتصادی و جنگ و کمبود مواد غذایی که از سوی متفقین و مردم احتکار می‌شد، باعث فقر و گرسنگی و در نتیجه به وجود آمدن انواع بیماری‌ها گشت. پی‌آمد این امراض، تلف شدن بسیاری از انسان‌هایی بود که به دلیل فقر امکان مهاجرت و تهیه دارو را نداشتند.

۳-۱ فقر:

در طول جنگ جهانی دوم مردم به لحاظ اجتماعی دچار فقر و انواع مریضی‌ها شدند و زندگی سختی را تحمل کردند. به همین منظور دولت به دنبال راه چاره‌ای بود. در شهریور ۱۳۲۱ برحسب دعوتی که از طرف اداره فرمانداری شیراز به عمل آمده بود، عده‌ای از مالکین شهر شیراز در استانداری حضور یافته راجع به وضعیت فقرای استان و کمکی که مالکین باید در این سال سخت بنمایند، مشورت کردند تا شرایط مساعدتری برای فقرا به وجود آید (پارس، س ۱، ش ۴، ص ۵). در یادداشت روزنامه پارس با عنوان «تهران و فارس» به ریشه‌های این جنگ و تأثیر آن بر فارس پرداخته شده است. از دید این روزنامه

علت اصلی این است که نه دولت کنونی مجال رسیدگی به جزییات امور و ارسال دستورات و لوازم کار را دارد و نه مانند حکومت‌های دوره جنگ گذشته حاضر است یک نفر استاندار نظامی را با تمام اختیارات به فارس اعزام دارد چنان‌که عدم موفقیت سرتیپ فیروز و بعد سپهد شاه‌بختی روی همین اصل بود... در این میانه نه تنها تکلیف مردم شهرنشین خصوصاً طبقه مالک که املاکشان در معرض خطر است، معلوم نیست؛ بلکه حتی تکلیف آحاد و افراد طوایف و ایلات نواحی مختلفه فارس هم معلوم نیست (پارس، ۱۹ مهر ۱۳۲۲).

همین نشریه در آخرین روزهای اسفند ۱۳۲۲ در

مقاله «بیچاره فارس» می‌نویسد:

اگر اولیای امور به این امر حیاتی توجه نکنند دیری نخواهد گذشت که آتش کینه‌ها زبانه خواهد کشید و

فروغی و سهیلی در رسیدگی به دادخواهی عشایر به رغم وعده‌های فراوانی که در این زمینه داده شد، دانست (بیات، ۱۳۹۰: ۷۵). محمد بهمن‌بیگی، از بزرگان قشقایی، در توصیف مشکلات آنها با دولت و انگلیسی‌ها می‌نویسد:

دولت پهلوی از آغاز کار خود خواست که ایلخانی‌گری و رسوم ایلی را از میان بردارد و با یک سلسله اعمال و اقدامات شروع به انجام این مقصود نمود... قضایای شهریور، این افراد ناراضی و ستم‌دیده و مستعد انقلاب را برانگیخت تا تفنگ‌های پوسیده و نیمه شکسته خود را از شکاف کوه‌ها بیرون آورده، روغن زنند و تعمیر کنند یاغی‌ها نیز از کوه‌ها فرود آمده و چادرهای سیاه را که مبدل به سفید شده بود بار دیگر در دامن بیابان‌های فارس برافراشتند و همین که تبعید شدگان و بازماندگان رؤسای ایلات از تهران و سایر نقاط مراجعت نمودند پیرامون آنها گرد آمده مأمورین دولت را اخراج و در اغلب نقاط سربازان و ژاندارم‌ها را خلع سلاح نمودند و با یکدیگر نیز طرح اتحاد ریخته و تولید قوایی نمودند که از بین بردن آن از راه صلح و مسالمت و از طریق جنگ و ستیز مشکل‌تر است (بهمن‌بیگی، ۱۳۲۴: ۵۶-۶۶).

سال‌های حکومت رضاشاه برای تمام عشایر کوچنده و از جمله قشقایی‌ها، دوره‌ای بسیار بد و ناگوار بود. در آن سال‌ها مقامات در رابطه با عشایر سیاست مرتجعانه‌ای اعمال می‌کردند و با زور و فشار آنان را تخته‌قاپو کرده که به هلاک دسته جمعی دام، بیماری و مرگ و میر فراوان در میان کوچ‌نشینان منجر شد (ایوانف، ۱۳۹۳: ۵۱). این عوامل زمینه‌ساز رویارویی قشقایی‌ها با دولت و انگلیسی‌ها شده بود که نتیجه این درگیری‌ها در تحولات فارس در جنگ جهانی دوم نقش مستقیمی ایفا کرد.

۳. اوضاع اجتماعی

جنگ جهانی دوم و حضور انگلیسی‌ها و آلمانی‌ها

آن وقت تر و خشک در این کانون اخگرخیزی که به دست عمال وظیفه‌نشناس روشن شده، خواهند سوخت (همان، سال دوم، ش ۱۸۱، ص ۱)

در مردادماه ۱۳۲۳ دکتر میلسپو به شیراز سفر می‌کند و در مصاحبه‌ای به نقش متفقین و جنگ در به وجود آمدن شرایط فارس اشاره می‌کند. او معتقد است که در زمینه توزیع کالا میان زارعین و رعایا و جمع‌آوری غله در فارس مشکلاتی وجود دارد که نتیجه و مولود اثرات شوم جنگ و به علاوه ضعف دولت است (پارس، س ۲، ش ۲۰۹، ص ۳؛ ذوقی، ۱۳۶۷: ۱۷۰). با گسترش جنگ جهانی و نفوذ انگلیسی‌ها در مناطق جنوبی شرایط اقتصادی و اجتماعی مردم هم متأثر از این واقعه شد. در سال ۱۳۲۳ مردمی که بیکاری و قحطی، شرایط زندگی را برای آنها سخت کرده بود، از نقاط مختلف فارس مثل لار، جهرم، فیروزآباد و شیراز، به منظور کار و تحصیل معاش به طرف آبادان می‌رفتند تا در پالایشگاه نفت آبادان کار کنند؛ اما به سبب تسلطی که انگلیسی‌ها بر منابع نفتی آبادان داشتند، با اعلام اینکه به اندازه کافی کارگر دارند، از ورود کارگران فارس ممانعت به عمل می‌آوردند (همان، سال دوم، شماره ۲۰۱، ص ۳). فقر و قحطی چنان عرصه را بر مردم تنگ کرد که عده زیادی مجبور به مهاجرت شدند و روزنامه‌ها خطر کم جمعیت شدن شیراز در اثر مهاجرت بیکاران به شهرهای دیگر را مطرح کردند. روزنامه استخر در این زمینه نوشت:

خطری که شیراز را تدریجاً تهدید می‌کند و این شهر را رو به خرابی می‌برد خطر کم جمعیتی است. در اثر بیکاری و فقدان وسایل، مردمان این شهر برای اینکه امرار معاش کنند و صورت بهتری به زندگانی خود بدهند به شهرهای دیگر که وسایل کار و زندگی مهیاست می‌روند تا بتوانند از این فقر و فلاکتی که ساکنین آن را فراگرفته است نجات پیدا کنند هیچ کس به اندازه شیرازی علاقه‌مند به شهر و دیارش نیست. این اصلی است که نزد همه کس مسلم است ولی:

سعیدیا حب وطن گرچه حدیثی است صحیح
توان مرد به سختی که من اینجا زادم

(روزنامه استخر، س ۲۷، ش ۸۹۵، ص ۱). پس همان‌طور که ملاحظه شد، با توجه به گزارش روزنامه‌ها، مردم در شرایط سخت اقتصادی در فقر به سر می‌بردند و این مسئله لزوم مهاجرت آنان برای شرایط کاری بهتر را ضروری می‌کرد اما به دلیل حضور متفقین در مناطق نفتی جنوب که شرایط بهتر کاری داشت عملاً دست مردم از این امتیاز کوتاه گشت.

۲-۲ بهداشت

امور بهداشتی و درمانی شیراز، در فاصله سال‌های ۱۳۱۰ تا ۱۳۱۵ زیر نظر استانداری اداره می‌شده است و از سال ۱۳۱۵ رسماً اداره بهداشتی در فارس تحت نام اداره بهداشتی استان هفتم تشکیل شده است. ریاست اولیه این اداره چندماه با دکتر سهراب بود؛ سپس در جریان جنگ جهانی دوم به مدت ۱۰ سال دکتر افخم حکمت (غلامحسین حکمت) ریاست آن را برعهده داشت (مرادی خلیج، ۱۳۹۶: ۸۶). در طول جنگ جهانی دوم فارس از نظر بهداشت و درمان وضعیت غم‌انگیزی داشت. شیوع بیماری‌های حصبه و تیفوس، جنگ، ناامنی شهرها، روستاها و راه‌ها و تشتت افکار و مبارزه روزنامه‌ها با یکدیگر مردم را به هراس افکنده بود. هر روز عده زیادی در اثر ابتلا به بیماری حصبه و تیفوس می‌مردند و روزی نبود که این اخبار شنیده نشود (امداد، آینده، ۱۳۶۴، ش ۱۲۰۱، ص ۸۱۶) روزنامه پارس در گزارش شهریور ۱۳۲۱ خود با عنوان «شیراز حتی حمام هم ندارد» شرایط ویژه فارس در این مقطع زمانی را چنین تشریح کرده است:

گرانی سربرار زندگی مردم فقیر این سامان شده و بیشتر مردم که بیمار می‌شوند جان را تسلیم مرگ نموده و برای همیشه در خواب ابدی فرو می‌روند. حتی آب آشامیدنی شیراز کم است و مردم از آب‌های آلوده استفاده می‌نمایند. می‌گویند صدی پنجاه مورد از این بیماری‌ها بر اثر همین آب‌های کثیف و آلوده می‌باشد. از همه بالاتر حمام راست و درستی هم نداریم و مردم شهر از این حیث سرگردان هستند (پارس، ۱۳۲۱: ش ۱۴،

داروهای کهنه که در دسترس می‌باشد خیلی محدود و به قیمت‌های خیلی زیاد به فروش می‌رسد (سعیدی‌نیا - ملکی، ۱۳۹۵: ۷۷).

در گزارش دیگر مربوط به اوایل سال ۱۳۲۲ اداره دارایی و خواربار جهرم، آقای حکمت، در نامه‌ای به اداره خواربار استان هفتم (فارس) شرایط بهداشتی و کمبود دارو در جهرم را چنین تشریح کرده است:

چند روز است مرض حصبه در جهرم زیاد شده و تلفات زیاد وارد می‌نماید و در جهرم دارو کمیاب و فوق‌العاده گران است. مقتضی است از اداره بهداشتی استان هفتم تقاضا فرمایید که به داروخانه‌های شیراز دستور اکید صادر گردد که مقداری دارو خصوصاً آمپول کامفر برای داروخانه‌های جهرم با اخذ بهاء ارسال دارند (ساکما، شناسه سند ۳۵۰-۸۲۷۴، شماره ۱۴؛ نک به ضمیمه شماره ۴).

سال ۱۳۲۲ در شیراز مالاریا به صورت اپیدمی در میان مردم شیوع یافته و تقریباً در هر خانه‌ای یکی دوتا مریض مالاریایی وجود داشت (پارس، ش ۱۲۱، ص ۱؛ ش ۱۲۸، ص ۱).

در سال ۱۳۲۳ معادل ۳۳۸ نفر مبتلا به مالاریا بودند. در پاییز ۱۳۲۴ دهات اطراف شیراز شکایت داشتند که چنان مالاریا مردم را گرفتار ساخته که برای جمع‌آوری غله کسی وجود ندارد (مجله بهداشت، س ۱، ش ۶ و ۷، ص ۱۶۴) در گرمسیرات فارس نیز وضع مشابهی برقرار بود. در بنارویه ۱ که دارای ۲۳۰۰ نفر جمعیت بود، در اثر مرض حصبه و نبودن دوا و طیب پانصد نفر تلف شدند و پانصد نفر دیگر مبتلای به مرض بودند و عده‌ای هم از وحشت ابتلای به مرض متواری شده بودند (استخر، س ۲۶، ش ۷۴۱، ص ۴). قشقای‌ها هم به شکل دیگر شکوه داشتند. آنها نه تنها در جنگ علیه انگلیسی‌ها افراد و اسب‌های خود را از دست داده بودند، بلکه هزاران گوسفند خود را به دلیل نگهداری در گرمسیرات که

ص ۱)

همین روزنامه در گزارش دوسال بعد خود (۳۰ مرداد ۱۳۲۳) در مقاله «شیراز نه محترک دارد، نه گرانفروش» می‌نویسد:

از روزی که آیین‌نامه‌ها و قوانین راجع به تعقیب محترکان و گران‌فروشان از مجلس گذشت تا امروز معلوم شد محترک چندانی در شیراز وجود ندارد. مردم داد می‌زنند که فلان دواخانه، قیمت یک دوی کهنه که تاریخ استفاده‌اش منقضی شده، چهل پنجاه برابر قیمت اصلی‌اش می‌فروشد، نه یکی، نه ده تا، صدها نفر همین حرف را می‌زنند، ما هنوز نه دیده و نه شنیده‌ایم که یک تاجر عمده به اسم محترک به محکمه خواسته باشند و یک عباسی از او به عنوان جریمه گرفته باشند (پارس، ۳۰ مرداد ۱۳۲۳، سال دوم، ص ۲).

در این مقطع زمانی بیماری دیفتری هم در شیراز شیوع پیدا کرده بود. سیف‌پور فاطمی، استاندار فارس، طی نامه‌ای به آقای رهنما معاون نخست وزیر در این خصوص می‌نویسد:

... شهر شیراز گرفتار اپیدمی حصبه و دیفتری است با کمال تاسف اداره خواربار و اداره بهداشتی چهارماه است اجازه نمی‌دهد دوا برای استان برسد. مردم مثل برگ خزان می‌میرند و هیچ جا دوا نیست. کراراً از بهداشتی تقاضا شده، هیچ نتیجه‌ای گرفته نشده (تلگراف سیف‌پور فاطمی به رهنما معاون نخست وزیر، ۱۳۲۲، به نقل از سعیدی‌نیا - ملکی، ۱۳۹۵: ۷۶).

با توجه به گزارش سیف‌پور فاطمی این استان دچار کمبود داروی شدید شده بود. در همین راستا کنسولگری انگلیس در شیراز در گزارشی وضع را چنین شرح می‌دهد:

«در حال حاضر ۱) در ناحیه شیراز دواجات فوق‌العاده کمیاب است؛ ۲) اشخاصی که به امراض مقاربتی مبتلا شده‌اند دسترسی به هیچ قسم دواجات لازمه ندارند؛ ۳) هرگونه واکسن و سرم تازه کمیاب است؛ ۴) مقدار

مراجع آن از بین رفته و بیماری وبا هم در آن شیوع یافته بود، از دست دادند (ابرینگ، ۱۳۸۳: ۱۷۱). در سال ۱۳۲۲ در نامه‌ای که از طرف وزیر دربار به نخست وزیر ارسال شده بود، خواستار اقداماتی از جمله احداث حمام‌های متعدد در مراکز پرجمعیت (نقاط مختلف کشور)، توزیع لباس نو برای اشخاص فقیر و بی‌بضاعت، ضد عفونی کردن مراکز فساد و تهیه توزیع گرد مخصوص شپش شده بود (تبرایان، ۱۳۷۱: ۳۷۸ □ سند شماره ۳۴۵).

این وقایع باعث شده بود رئیس بهداری استان هفتم به منظور جلوگیری از شیوع بیماری‌های واگیردار تصمیماتی اتخاذ کند تا جلوی شیوع آن را بگیرد. در همین راستا مقالاتی در روزنامه‌های محلی به منظور پیشگیری از امراض چاپ می‌شد که مردم را نسبت به بیماری آگاه‌تر کند (پارس، س ۲، ش ۱۲۹، ص ۱۵۰). اما با توجه به گزارش‌های بعد از جنگ جهانی دوم که در اسناد و روزنامه‌ها وجود دارد، می‌توان به این نتیجه رسید که حکومت در دفع بیماری‌ها عملاً ناتوان شده بود چرا که تا مدت‌ها بعد مردم فارس درگیر بیماری‌های واگیر بودند.

۳. اوضاع اقتصادی

فارس (شیراز) که زمانی به واسطه رونق بندر بوشهر در امر تجارت، از نظر اقتصادی نقش مهمی در کشور داشت، پس از احداث راه آهن سراسری و از دست رفتن موقعیت تجاری بندر بوشهر، اهمیت آن کم شد و اغلب تجارت در این زمان از طریق تهران صورت می‌گرفت و میزان کمی از مال‌التجاره‌ها از طریق بوشهر وارد و یا صادر می‌شد (مرادی خلج، ۱۳۹۶: ۶۳). اما حضور نظامی متفقین در بوشهر و مناطق نفت‌خیز خوزستان به خصوص در آبادان که دست دولت در امور اقتصادی را بسته نگه می‌داشت، باعث شده بود که مشکلاتی از لحاظ بحران اجناس و احتکار، کمبود نان و گندم و حمل و نقل به وجود آید.

۱-۳. بحران اجناس و احتکار

در زمینه کمبود اجناس و احتکار گزارش‌های مختلفی در فارس وجود دارد. روزنامه خلیج ایران «بوشهر»، در شماره ۱۷۸۵ می‌نویسد:

از بعد از شهریور ۱۳۲۰ که راه قاجاق کالا و اسلحه بنادر جنوب باز شد شکر و چای سهمیه رعایای فلک‌زده به خوانین داده می‌شد و در بازار سیاه به فروش می‌رسید. در اندک زمانی رؤسای عشایر و خوانین بلوک جنوب دارای ثروت هنگفت شدند و همچنین از طرف کنسول انگلیس به آنان کمک و همراهی می‌شد تا به رؤسای عشایر و خوانین محلی و مردم جنوب نشان دهند که ادارات دولتی همه در تحت اختیار آنها است و هرکسی مخالفت اوامر ایشان کند از بین خواهد رفت و هرکس به اطاعت و فرمان آنها گردن نهد به او مساعدت می‌نمایند (نوروززاده بوشهری، ۱۳۲۷: ۱۱۶).

در سال ۱۳۲۲ و با جنگ سمیرم که بین قشقایی‌ها و دولت اتفاق افتاده بود اوضاع اقتصادی مردم باز هم بدتر شد. مردم با هجوم به مغازه‌ها و خرید مواد غذایی تلاش می‌کردند تا آذوقه زیادی را ذخیره کنند (نصیری طیبی، انقلاب اسلامی در شیراز: ص ۲۲۱). چنین وضعی را می‌توان در توصیف روزنامه سروش، مورخ یکشنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۳۲۴ یعنی در اواخر جنگ دید که با شکوه از خرابی بازار، شرایط آن دوره را ترسیم می‌کند:

بازار که در اثر پیروزی متفقین به سختی سقوط کرده بود دوباره رو به بالا رفته و در قیمت بیشتر اجناس ترفیعی‌هایی پیدا شده است. محتکرین هر روز یک خبری از خود جعل کرده و به عنوان اینکه دوباره جنگ ادامه می‌یابد به کلاهبرداری مشغول هستند. دولت خوب است اقدامات جدی در این باره نموده و جلو سفته‌بازان را بگیرد زیرا این بازاری که ما می‌بینیم مادام که نعش هیتلر را به چشم نبینند دست از سفته‌بازی بر نمی‌دارند (روزنامه سروش، ش ۱۶۶، ص ۴).

سیف‌پور فاطمی در کتاب خاطراتش شرایط بحران اجناس و احتکار در هنگام جنگ جهانی دوم را چنین تشریح کرده است:

جنگ در امور اقتصادی مشکلات زیادی به وجود آورد.

این توصیف روزنامه‌ها از کمبود اجناس و احتکار نشان می‌دهد که در سال‌های جنگ جهانی دوم مردم به علت بی‌اعتمادی به دولت و ضعف حکومت محلی شیراز به سمت احتکار اجناس سوق داده شده بودند و همین امر باعث هرج و مرج و ناامنی در فارس شده بود.

۳-۲ کمبود نان و گندم

با شروع جنگ جهانی دوم در شیراز اعلام می‌شود که نان شش ماه شهر در انبارهاست و دانه‌ای گندم^۱ از شهر خارج نخواهد شد. به علاوه اعلام شده بود که هر نانویی که در پخت نان اهمال و یا تقلب نشان دهد شدیداً مجازات و دکان او هم به دست شهرداری اداره خواهد شد (سیف‌پور فاطمی، ۱۱۸). در گزارشی که در آستانه جنگ جهانی دوم در سال ۱۳۱۸ از کازرون منتشر شده بود، رئیس اداره غله استان هفتم (فارس) به استانداری فارس نوشته بود:

وضعیت نان و نانویی کازرون ترتیب ناهنجاری پیدا نموده و باعث شده که نانوایان تقلب کرده و نان را گران‌تر بفروشند و دیگر عدم تعیین مصرف یومیه دکاکین سبب شده که در موقع فراوانی گندم، نانوایان از گندم قاچاق استفاده و در موقع تنگی از فروش گندم دریافتی از انبار غله به خارج سوء استفاده نمایند (ساکما، شناسه سند ۱۲۶-۳۵۰ شماره ۶۵؛ نک به ضمیمه شماره ۵). در سال ۱۳۲۲، استاندار هفتم (فارس) در نامه ای به اداره خواربار جهرم از افزایش بهای گندم ابراز نگرانی کرده بودند و درخواست شده بود نسبت به تعدیل قیمت گندم اقدام کنند.

(ساکما، شناسه سند ۳۵۰-۸۲۷۴ شماره ۱۲؛ نک به ضمیمه شماره ۶). به علاوه مسائلی مانند عدم بارندگی و خشکسالی و ناتوانی اداره غله از وصول محصولات باعث کمبود آذوقه و برداشت گندم شده و مردم را در

همین که خبر جنگ به شیراز رسید صاحبان کالاها یک مرتبه کلیه قیمت‌ها را دو برابر و در بعضی قسمت‌ها مخصوصاً دوا و آهن و ماشین‌آلات قیمت‌ها را سه برابر کرده و باعث شکوه و شکایت مردم شدند... در موقع مذاکره با بازرگانان یکی از تجار گفت: «شما حق ندارید که به ما دستور بدهید جنس مال ما است و به هر قیمتی که دلمان می‌خواهد می‌فروشیم. اگر مردم فقیر هستند و نمی‌توانند اجناس را بخرند به ما مربوط نیست به کسی می‌فروشیم که بتواند از عهده پرداخت بهایی که ما می‌خواهیم برآید». (سیف‌پور فاطمی، ۱۳۷۹: ۵۱-۵۳).

در گزارش روزنامه پارس در سال ۱۳۲۳ نسبت به احتکار برخی اقلام چنین هشدار داده شده است که:

فارس مولد و موجد قند و کارخانه سازی است. چرا دسترنج فارسی‌ها را انبار می‌کنید و احتکار می‌نمایید یا به دیگران می‌دهید و خود آنها را از محصول خود محروم می‌سازید و آخر هرماه چند گرم شکر که برای چشیدن هم کافی نیست، تحویل آنها می‌دهید. چای که در بازار سیاه به مثقالی ۲ ریال رسیده است، شما انبارهای چای را برای چه روزی پس دست گذاشته اید؟ (پارس، س ۲، ش ۱۹۹، ص ۴).

در همین حال کمبود اجناس به غیر از شیراز در دیگر نقاط فارس از جمله جهرم و کازرون شدت بیشتری داشته است. به گزارش روزنامه سروش:

قحطی واقعی حکمفرماست. مردم که پوشش خود را فروخته و نان بخور نمی‌ری به دست آوردند از همین حالا مورد تهدید گرسنگی و قحطی می‌باشند. اولیای امور باید در فکر کسری خواربار جهرم باشند (روزنامه سروش، ش ۶، ص ۶).

به گزارش همین روزنامه:

اهالی بیچاره کازرون نسبت به نان منتهی درجه در فشار و از فرط گرسنگی در چنگال مرگ افتاده‌اند. متأسفانه اولیای امور چون خودشان سیراند و زحمتی ندارند به فکر ما ضعفا و گرسنگان نیستند (روزنامه سروش، س ۱، ش ۲۰، ص ۳ و ۴).

۱۳۸۹: ۴۵۶-۴۵۷؛ روزنامه اطلاعات، س ۱۶، ش ۶۶۰ (۳مهرماه).

۱. در خصوص کمبود و بحران گندم رک: محتشم، ۱۳۸۶: ۲۴؛ سپهر، ۱۳۵۵: ۶۸؛ الهی، ۱۳۶۱: ۲۰۶؛ گلشنی، ۱۳۸۶: ۳۸؛ مجد،

شرایط قحطی قرار داده بود (تبرایان، ۱۳۷۱: ۲۴۹) سند شماره ۱۹۸). در بهمن سال ۱۳۲۱ در تلگرافی که سرتیپ فیروز به تهران مخابره می‌کند، از مصادره گندم در یک کامیون در شیراز توسط مردم و برخورد نیروهای انتظامی با مردم خبر می‌دهد (همان: سند شماره ۳۱۳).

این موارد نشان دهنده تأثیر مستقیم جنگ جهانی دوم بر زندگی و اقتصاد مردم است. روزنامه سروش در مقاله «فارس چه می‌خواهد» که در ۱۵ مرداد ۱۳۲۲ چاپ شده بود، درباره مشکلات ناشی از کمبود نان آورده است:

فارس قبل از همه چیز نان می‌خواهد و امنیت. ولی نه این نان و نه این امنیتی که در ظاهر تصور می‌کنیم. البته نان داشتن به معنی ظاهری آن یکی از خواستنی‌های فارسی است؛ یعنی اولیای امور و مدعیان رهبری قوم، نان سالانه فارس را تأمین کنند. ولی پس از تأمین آن تازه مقصود حاصل نگشته است و در حقیقت فراهم کردن آن مقدار غله که مورد احتیاج فارسی‌ها است مقدمه است نه نتیجه. اینکه ما می‌گوییم فارس نان می‌خواهد یعنی هر فارسی باید بتواند از آن مقدار نانی که از فارس حاصل می‌شود به قدر احتیاج استفاده کند نه آنکه حاصل دسترنج اکثریت فارسی به جیب یک اقلیت محدود ریخته شود و بالتیجه فقر و تنگدستی که مادر بیشتر شرارت‌ها و رذالت‌هاست شیوع پیدا کند (سروش، س ۱، ش ۵، ص ۱).

با توجه به موارد مطرح شده و مشکلاتی نظیر مهاجرت کشاورزان و عدم امکانات حمل و نقل غلات و کشاورزی و برداشت‌های بی‌رویه‌ای که متفقین از غلات در کشور داشتند و بحران احتکار که گریبان مردم را گرفته بود شرایط نامساعدی بر مردم تحمیل شده بود.

۳-۳ حمل و نقل

قبل از جنگ جهانی اول تا جنگ دوم بین‌الملل گزارش‌های مختلفی از وضعیت غارت و دزدی در راه‌های مختلف فارس به ثبت رسیده است. در گزارش مستر ارسکین به مارکوئیس لنز داوون در سال ۱۹۰۲م آمده که دزدی‌های اطراف شیراز به طور فزاینده‌ای افزایش

یافته است و یا در گزارش سال ۱۹۰۳م حکمران شیراز در تلاش بوده که جلوی سرقت مراسلات پستی را بگیرد و برای تأمین امنیت مسافرین در جاده‌ها تلاش کند (اسناد وزارت خارجه بریتانیا پیرامون شیراز و فارس ۱۹۰۲-۱۹۰۳میلادی، ۱۳۷۲: ۵۲ و ۵۴). با ورود متفقین به فارس در جنگ جهانی دوم (گزیده اسناد جنگ جهانی دوم در ایران، ۱۳۸۱: ۳۹۷) در زمینه حمل و نقل و امنیت و آبادانی راه‌ها مشکلاتی به وجود آمد. با ورود کامیون‌های انگلیسی از سمت بوشهر به شیراز نه تنها گرد و خاک ناشی از رفت و آمد کامیون‌های بزرگ روی بهداشت عمومی در سطح شیراز تأثیرگذار بود، بلکه باعث شده بود که خیابان‌های شیراز بر اثر عبور کامیون‌های انگلیسی خراب شود و پل رودخانه خشک شیراز که استقامت رفت و آمد چنین کامیون‌هایی را نداشت، صدمه ببیند. به علاوه انگلیسی‌ها از دادن عوارض راه نیز خودداری می‌کردند؛ به همین خاطر استانداری فارس در سال ۱۳۲۲ در نامه‌ای به وزارت راه بر این مسئله تأکید کرده و درخواست کرده بود که مراتب را به کنسرسیوم کامپاکس که عهده‌دار نگهداری راه‌های شوسه جنوب ایران بودند، اطلاع دهند. این کنسرسیوم در جوابیه‌ای که به وزارت راه داشته تأکید کرده که

سرمهندس پادشاهی انگلیس شمال ایران به این بنگاه دستور داده که به اطلاع وزارت برسانیم که از طرف اولیای امور نظامی انگلیس هیچ‌گونه اقدامی برای اصلاح خیابان‌های داخل شهر شیراز به عمل نخواهد آمد» (ساکما، شناسه سند ۴۱۱۹۷-۲۹۳؛ نک به ضمیمه شماره ۷)

نتیجه

در این پژوهش با توجه به سؤال اصلی آن مبنی بر شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی فارس در خلال جنگ جهانی دوم سعی بر آن شد این پرسش از زوایای سیاسی و اجتماعی و اقتصادی مورد بررسی قرار گیرد. شرایط فارس در طول جنگ جهانی دوم و حتی بعد از

داخلی در سه حوزه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی باعث شد این استان هفتم کشور، گرفتار تبعات و آسیب‌های ناگوار و درازمدتی گردد که نتیجه آن باز ماندن از قافله رشد و توسعه تا مدت‌ها بوده است.

منابع

ابرلینگ، پیر (۱۳۸۳). *کوچ‌نشینان قشقایی فارس*. ترجمه فرهاد طیبی پور. تهران: شیرازه.

استوارت، ریچارد (۱۳۷۰). *در آخرین روزهای رضاشاه*. ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: چاپخانه رخ.

الهی، همایون، (۱۳۶۱)، *اهمیت استراتژیک ایران در جنگ جهانی دوم*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی

اسکرین، سرکلارمونت (۱۳۶۳). *جنگ جهانی در ایران (خاطرات سرکلارمونت اسکرین)*. ترجمه غلامحسین صالح‌یار. تهران: انتشارات سلسله.

اسناد وزارت امور خارجه بریتانیا پیرامون شیراز و فارس (۱۹۰۲-۱۹۰۳ میلادی). (۱۳۷۲)، پژوهش و برگردان غلامرضا وطن‌دوست، شیراز: بنیاد فارس‌شناسی انورخامه‌ای (۱۳۷۸). *سال‌های آشوب (پژوهش در تاریخ معاصر ایران بر بنیاد اسناد طبقه‌بندی خارج شده انگلستان، امریکا، ایران)*. تهران: نشر و پژوهش فرزاد.

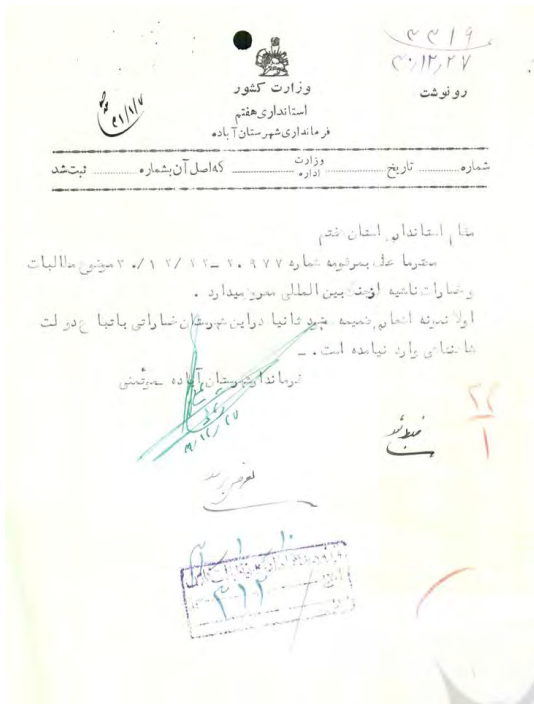
ایوانف، (۱۳۵۶). *تاریخ نوین ایران*. ترجمه هوشنگ تیزی و حسن قایم پناه، تهران: انتشارات اسلوج ایوانف، میخائیل سرگی یویچ، (۱۳۹۳)، *عشایر جنوب (عشایر فارس، قشقایی، خمسه، کهکیلویه، ممسنی)*، مترجمان: کیوان پهلوان، معصومه داد، تهران: انتشارات آرون

بولارد، سر ریدر؛ اسکرین، سرکلارمونت (۱۳۶۲). *شترها باید بروند*. ترجمه حسین ابوترابیان. تهران: نشر نو.

آن مشکلات زیادی در زمینه شیوع بیماری، کمبود دارو، احتکار اجناس، کمبود غلات و ناامنی راه‌ها داشت از جمله مهم‌ترین دلایل آن وقوع جنگ جهانی دوم و کشمکش‌های سیاسی بین نیروهای قشقایی و حکومت مرکزی و انگلیسی‌ها بود که به جنگ سمیرم منجر شد و چنین شرایطی را به وجود آورده بود. انگلیسی‌ها به عنوان ارکان اصلی متفقین حضوری همه‌جانبه در جنوب کشور و به تبع آن در فارس داشتند و به واسطه دشمنی با آلمان‌ها، نسبت به قشقایی‌ها حساسیت زیادی از خود نشان دادند. از طرف دیگر ضعف حکومت مرکزی در ایجاد ثبات داخلی مزید بر علت شده بود تا شرایط نامساعدی برای مردم در ابعاد گوناگون به وجود بیاید. در زمینه کشاورزی، فارس با کمبود غلات و گندم و نان مرغوب مواجه بود و عدم تأمین امنیت راه‌ها باعث به وجود آمدن قاچاق و دزدی در زمینه نفت، روغن، گندم و خرما به نقاط دیگر شده بود. به علاوه عدم بارندگی و خشکسالی و ناتوانی اداره غله از وصول محصولات باعث کمبود آذوقه و برداشت گندم شده بود. به لحاظ بهداشتی هرچند استناداری به کمک دولت و جراید سعی در ایجاد کنترل اوضاع را داشتند اما آمار و شواهد ارائه شده در این مقاله نشان می‌دهد که بیماری‌های زیادی مثل حصه، تیفوس، دیفتری و مالاریا در نقاط مختلف استان شیوع داشته و این بیماری‌ها همراه با کمبود دارو و طبیب در نقاط مختلف فارس، شرایط وخیمی برای مردم ایجاد کرده بود. در زمینه بحران اجناس و احتکار هم، با توجه به وقوع جنگ و عدم ثبات اقتصادی که مردم گرفتارش بودند، به علاوه عدم اعتماد مردم به حکومت چنین واکنش‌هایی در بین بازاریان و عامه مردم اتفاق می‌افتاد که گزارش‌های منعکس شده در روزنامه‌ها و اسناد به خوبی شرایط متزلزل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی فارس در این برهه تاریخی را منعکس کرده است. پس حضور متفقین در فارس به عنوان عامل خارجی و ضعف حکومت به عنوان عامل

- بهمن بیگی، محمد (۱۳۲۴). عرف و عادت در عشایر فارس. تهران: بنگاه آذر.
- بیات، کاوه (۱۳۸۱)، ایران و جنگ جهانی اول (اسناد وزارت داخله). تهران: سازمان اسناد ملی ایران
- بیات، کاوه (۱۳۹۰)، نبرد سمیرم (انگلیسی‌ها، قشقایی‌ها و جنگ جهانی دوم). تهران: انتشارات خجسته
- تبراییان، صفاءالدین (۱۳۷۱)، ایران در اشغال متفقین (مجموعه اسناد و مدارک ۲۱-۱۳۱۸). تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا
- ترز، ماری (۱۳۷۶). شهسواران کوهسار (سفرنامه نواحی جنوبی ایران و ایل قشقایی). ترجمه محمد شهبان. تهران: انتشارات پیراسته
- جلال پور، حسن، محمدی، امیر، « پیامدهای اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰»، پژوهش در تاریخ. سال سوم. زمستان ۱۳۹۱. شماره ۹
- خلعتبری، انوشیروان (۱۳۸۵). محبوسین متفقین در ایران (۱۳۲۴-۱۳۲۲). نشر اهورا
- درباره سوم شهریور و نقش ایران در جنگ جهانی دوم. ج ۳. ۲۵۳۶ شاهنشاهی، تهران: مرکز پژوهش و نشر فرهنگ سیاسی دوران پهلوی
- دلدم، اسکندر. (بی تا)، زندگی پرماجرایی رضاشاه، جلد سوم، تهران: نشر گلفام
- دولت ایران و متخصصان مهاجر آلمانی ۱۳۱۹-۱۳۱۰ (۱۳۷۴). به کوشش رضا آذری شهرضایی، تهران: انتشارات سازمان اسناد ملی ایران
- دهقان نژاد، مرتضی، کاظمی، ظریفه « تحولات نیروی نظامی ایران از آغاز جنگ جهانی اول تا پایان جنگ جهانی دوم». فصلنامه آرشیو ملی. شماره ۲۰
- ذوقی، ایرج (۱۳۶۷). ایران و قدرت‌های بزرگ در جنگ جهانی دوم. تهران: انتشارات پازنگ
- رزم آرا، حاجعلی، (۱۳۳۰). فرهنگ جغرافیایی ایران (آبادیه). ج ۷. تهران: انتشارات دایره جغرافیایی ستاد ارتش
- رکن زاده، آدمیت، فارس و جنگ بین الملل (۱۳۵۷). تهران: انتشارات اقبال
- ره انجام حکمت (یادداشت‌های روزانه میرزا علی اصغرخان حکمت شیرازی). (۱۳۹۷). جلد دوم، به اهتمام دکتر سید محمد دبیر سیاقی، تهران: انتشارات خجسته
- ساتون، ال، پی، الول (۱۳۲۵). ایران نو. ترجمه علی جواهر کلام. تهران: چاپخانه شرکت مطبوعات سپهر (مورخ الدوله)، احمد علی (۱۳۵۵). ایران در جنگ دوم جهانی. تهران: دانشگاه ملی ایران
- سعیدی‌نیا، حبیب الله، ملکی، عبدالرزاق، (۱۳۹۵)، « پیامدهای جنگ جهانی دوم بر مناطق کرانه ای و پس کرانه ای خلیج فارس». فصلنامه مطالعات تاریخی جنگ. سال اول. شماره اول. پاییز
- سیف‌پور فاطمی، نصرالله (۱۳۷۹)، گزند روزگار خاطراتی از تحولات فارس در آستانه جنگ جهانی دوم، مجلس چهاردهم و بحران آذربایجان، تهران: نشر شیرازه
- عاقلی، باقر (۱۳۶۷)، ذکاء الملک فروغی و شهریور ۱۳۲۰ (خاطرات مهندس محسن فروغی). تهران: انتشارات سخن
- عاقلی، باقر (۱۳۷۰)، خاطرات یک نخست وزیر (دکتر احمد متین دفتری)، تهران: انتشارات علمی
- عامری، هوشنگ (۱۳۸۷)، از رضاشاه تا محمد رضا پهلوی. تهران: شرکت مطالعات و نشر کتاب پارسه
- فراشبندی، علی مراد (۱۳۵۹). تاریخ جنبش مردم فارس، انتشارات اسلامی
- فیوضات، ابراهیم (۱۳۷۵). دولت در عصر پهلوی. تهران: انتشارات چاپخش.
- کاظمی، ظریفه (۱۳۹۲). «علل و عوامل قحطی‌های فارس در فاصله سال‌های ۱۳۲۴-۱۲۹۳ ش/ ۱۹۴۵-۱۹۱۴». دوفصلنامه پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران. سال اول. شماره دوم. بهار و تابستان
- کرونین، استفانی (۱۳۸۳). رضاشاه و شکل‌گیری ایران

- تهران: طرح نو
- Hamzavi. A.H, (1944), Iran and The Tehran conference, International affairs Royal Institute of International affairs 1944), vol 20, No2 .
- Mark, Eduard M.(1975), « Allied Relation in Iran, 1941-1947: The Origins of Cold War Crisis» Wisconsin Magazine of History, Autumn
- McFarland, Stephen L, (1985), « Anatomy of an Iranian political Crowd: The Tehran bread riot of December 1942», in The United States of America,
- Ramazani. Rouhollah.(1975), Irans Foreign Policy(1941-1973). The university of Virginia.
- Ramazani. Rouhollah.(1966), The Foreign Policy of Iran a Developing Nation in world Affairs. The University of Virginia.
- نوین. ترجمه مرتضی ثاقب فر. تهران: نشر جامی
- کوهی کرمانی، حسین (۱۳۲۹)، از شهریور ۱۳۲۰ تا فاجعه آذربایجان و زنجان، تهران: چاپخانه مظاهری
- گرامی، محمدعلی، (۱۳۳۵)، تاریخ اقتصادی سیاسی، اجتماعی و نظامی دوران رضاشاه کبیر، تهران: انتشارات شاهنشاهی پهلوی
- گلشنی، عبدالکریم، (۱۳۸۶)، گرانی و کمبود برنج در وقایع شهریور ۱۳۲۰، رشت: نشر بلور
- گزیده اسناد جنگ جهانی دوم در ایران. (۱۳۸۱) به کوشش بهروز قطبی. تهران: اطلاعات
- مجدد، محمدقلی (۱۳۸۹) رضاشاه و بریتانیا (براساس وزارت امور خارجه آمریکا). ترجمه مصطفی امیری. تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی
- محتشم، محمدرضا (۱۳۸۶). رنج ایرانی در جنگ جهانی، تهران: نشر جهانگره
- مرادی خلیج، محمد مهدی (۱۳۹۶). شیراز در دوران نهضت ملی شدن صنعت نفت، تهران: انتشارات کویر
- ملک زاده، الهام، (۱۳۹۶)، « قحطی مناطق جنوب ایران طی جنگ جهانی اول به روایت اسناد آرشیو ملی ایران»، فصلنامه تاریخ، فرهنگ و تمدن خلیج فارس. سال اول. شماره دوم. صص ۱۰۳-۱۱۹
- ملک یزدی، خان ملک (۱۳۲۴)، ارزش مساعی ایران در جنگ. تهران: بی نا
- نصیری طیبی، منصور، (۱۳۹۳)، انقلاب اسلامی در شیراز، تهران: موسسه فرهنگی هنری و انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- نصیری طیبی، منصور (۱۳۹۳) : ایل قشقایی در تاریخ معاصر ایران. تهران: چاپ پردیس دانش نورو زاده بوشهری، اسماعیل، (۱۳۲۷). اسرار نهضت جنوب، تهران: چاپخانه تابش
- همبلی، گاوین، (۱۳۷۱)، سلسله پهلوی و نیروهای مذهبی به روایت تاریخ کمبریج. ترجمه عباس مخبر.
- روزنامه‌ها
- استخر، (۳۰ تیر ۱۳۲۳)، سال ۲۶، شماره ۷۴۱
- استخر، (۱۵ خرداد ۱۳۲۴). سال ۲۷، شماره ۸۹۵
- استخر، (۸ مرداد ۱۳۲۲). سال ۲۶، شماره ۷۵۴، ص ۴
- آینده، حسن امداد (۱۳۶۴). «توالی و حوادث فارس»، آینده، شماره‌های ۱۱، ۱۲، صص ۸۱۶
- آینده (۱۳۶۴). شماره ۱۱ و ۱۲
- پارس، (۳۱ شهریور ۱۳۲۱)، سال اول، شماره ۱۴
- پارس، (۲۴ مهرماه ۱۳۲۲)، «علت پرشکی بیماری»، شماره ۱۲۸
- پارس، (۵ مهرماه ۱۳۲۲)، «تقلیل تیفوس در ایران»، پارس، شماره ۱۲۱
- پارس (۸ شهریور ۱۳۲۱)، سال اول، شماره ۴
- پارس، (۲۷ مهرماه ۱۳۲۳)، « آبله، مالاریا، تیفوئید، تیفوس و گریب پنج بلای بزرگ»، سال دوم، شماره ۱۲۹
- پارس، (۲۰ اردیبهشت ۱۳۲۳)، «خطر نزدیک است بیدار شوید به مردم رحم کنید» سال دوم، شماره ۱۳۲۳
- پارس، (۲۳ آذرماه ۱۳۲۲)، سال دوم، شماره ۱۵۰
- پارس، (۲۳ اسفند ۱۳۲۲)، «بیچاره فارس»، سال دوم، شماره ۱۸۱، ص ۱



پارس، (۲۷ اردیبهشت ۱۳۲۳)، سال دوم، شماره ۲۰۱
 پارس، (۱۶ مرداد ۱۳۲۳)، پارس، سال دوم، شماره ۲۰۹، ص ۳
 پارس، (۳۰ مرداد ۱۳۲۳) سال دوم، ص ۲
 پارس (۱۶ مهرماه ۱۳۲۱)، سال اول، شماره ۲۰
 پارس (۱۸ اردیبهشت ۱۳۲۳)، سال دوم، شماره ۹۸
 روزنامه اطلاعات، سال شانزدهم، شماره ۶۶۰
 سروش، سال اول، شماره ۲۰
 سروش، (۱۵ مرداد ۱۳۲۲) سال اول، شماره پنجم
 سروش، (۱۹ مرداد ۱۳۲۲)، سال اول، شماره ششم
 سروش (۲۳ اردیبهشت ۱۳۲۴) شماره ۱۶۶
 مجله بهداشت، سال اول، شماره ۷ و ۶
 اسناد

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج. ا. ا (ساکما). سند ۱۲۶-
 ۳۵۰، شماره ۶۵؛ سند ۲۲۳-۴۰۲۹۳، شماره ۱؛ سند
 ۲۲۳-۴۰۲۹۳، شماره ۲؛ سند ۲۲۳-۴۰۲۹۳، شماره
 ۸؛ سند ۲۲۳-۴۰۲۹۳، شماره ۹؛ سند ۱۱۹۷-۲۹۳،
 شماره ۱۴؛ سند ۱۱۹۷-۲۹۳، شماره ۲۰؛ سند
 ۱۱۹۷-۲۹۳، شماره ۱۶؛ سند ۸۲۷۴-۳۵۰، شماره
 ۱۲

